

سفیر ترس و دلهره در تهران

۵ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۴۹

در آبان ماه ۱۳۴۴ آگاتا کریستی، نویسنده داستانهای جنایی به تهران سفر کرده و با مجله اطلاعات بانوان مصاحبه ای داشته است.

مصاحبه اختصاصی خیر نگار ما با برجسته ترین بانوی نویسنده که با ایران آمده است

سفیر ترس و دلهره در تهران!

بزرگترین بانوی نویسنده داستانهای پلیسی که بیش از هر کس مرتکب جرم و جنایت شده است، از آزدردن بچه‌ها وحشت دارد!

- چرا این نویسنده بزرگ فقط از سم برای کشتن قهرمانان خود استفاده میکند؟
- چگونه این زن ۶۰ سال است بکار نویسندگی ادامه داده است؟
- آیا خالق صحنه‌های هراس‌انگیز، از قهرمانان خود میترسد؟

از بری باصلتی



ورج باعداد یکنه گشته در موسسه ایران شناسایی یاریا بود. چند دقیقه ای زودتر از ساعت ملاقات، در آنجا حضور یافتیم. نیدانسته بر خوردم با این زن چگونه خواهد بود. در تمام لحظات، درباره صحنه‌های هراس انگیز، سسهای مرگ آور، دشنه‌های ترسناک و اشیاء وحشت انگیزی که این من و این زن رابطه ای ایجاد کرده بود، می‌اندیشیدیم. محیطی که من در آن بسر می‌بردم، آرام بود و سکوت دلچسپی بر آن سایه افکنده بود. اترام راننده‌های کتاب پوشانده بود. اما نیدانم چرا هر لحظه در انتظار صدای هولناک، قتل عجیب و یا فریاد وحشت‌انگیزی بودم. وقتی دختر جوان و ظریفی مرا صدا کرد که ۱۴ سال این زن بزرگ، صحنه‌های رنگارنگی در برابرم تجسم یافت. سرانجام، پشت در آن اورسیدم و با تیره آرامی که بدر گرفته، ورود خود را با اطلاع‌دهم. زن سستی که گسوی سفید بر چهره اش ایت فراوانی پخشیده بود، روی میل نشسته بود. نویس تیره رنگی تن داشت و یک ستیجالی سینه و یک رشته مروارید برای تزئین آن نگار رفته بود. از پشت عینکهای ژرف نده‌یش با تو چشم درشت آن زنک مرا برانداز میکرد. دو مطالبش نشستم. رویای ترس، باورچین باورچین از دل میگریخته. سر صحبت را با او گشودم... این زن آگاتا کریستی بزرگترین نویسنده داستانهای پلیسی دنیا بود. زنی که گویی رشته‌های زندگی او را با مرگ، جنایت، سم، دشنه و هفت تیر بیوند داده است.

● ۶۰ سال نویسنده‌گی

آگاتا کریستی زن ۷۵ ساله‌ای است که نویسنده‌گی را از ۱۰ سال پیش، در زمانی که ۱۵ سال بیشتر نداشته، شروع کرده است. تاکنون متجاوز از صد داستان کوتاه، ۶۰ کتاب، تعدادی نمایشنامه نوشته است. چند نمایشنامه او بصورت فیلم با تئاتر درآمده است. همه کسانی که با کتاب و مجله سروکار دارند با نوشته‌های او آشنا هستند و شاید از نمایش فیلم پلیسی معروف و هیجان انگیز «شاهد برای تعقیب» که از روی یک راز آلود او تهیه شده است، لذت بردند.

آگاتا کریستی، در حدود ۲۳ سال است که ازدواج کرده و لیره این ازدواج یک دختر است که فعلاً با شوهرش در لندن زندگی میکند. این نویسنده انگلیسی همرا با شوهر باستان شناسش تاکنون با اغلب کشورهای دنیا مسافرت کرده و این شناسین مرثیه است که با ایران آمده است. او در نزدیکی شهر اسپورت در انگلیس، زندگی میکند و برتکس آنچه من و شما میندازیم، بطوریکه میگفت، خانه‌اش شیوه ساده و اروپایی آراسته شده است. در این خانه هیچگونه احساس ترس، وحشت یا نمان دست نمیدهد. بلکه محیط آرام و با صفا آ...

و چهارچوب داستان را در ذهن می‌ریزم. آغاز و پایان و سر-نویست قهرمانان را در ذهن می‌پرورانم و بعد، بروی کاغذ می‌آورم. باین جهت، از ابتدا بخوبی میدانم که داستانم چگونه پیشرفت میکند و به پایان می-رسد.

● عشق بنویسنده‌گی

در پاسخ این سوال که بچه ترکیب شروع شوق خود را برای نوشتن حفظ میکند و انگیزه‌اش در کار نوشتن چیست، گفت: - فقط عشق بنویسنده‌گی... وقتی در صدد نوشتن کتاب نازمی درمی‌آیم، شروع و پایان نازمی را در خود احساس می-کنم و این شروع و پایان ناپایان آن کتاب که نوشتن آن بین ۳ تا ۴ ماه طول میکشد. در وجودم موج میزند.

پرسیدم: آیا خودتان از صحنه‌های وحشت آوری که در داستانهایتان ایجاد میکنید، هیجولت دچار هراس نمیدانید؟ قیافه جدی تری بخود گرفت و با قاطعیت گفت:

ممکن است دیگران تحت تأثیر این صحنه‌ها قرار بگیرند و حتی با تلقین نتوانند رورکنند که این صحنه‌ها ساخته فکر و خیال است، اما من که اثریننده این صحنه‌ها هستم، طبیعی است که از آن تعبیرسم.

پرسیدم: آیا به «پایان خوش» برای داستانهایتان معتقدید و خود را از آن بروی می-کنید؟

گفت:

ممکن است ناشران کتاب و یا دسته‌ای از خوانندگان به پایان خوش معتقد باشند. اما بنظر من، برای یک داستان پلیسی که با آدم کشی و جنایت تمام میشود، پایان خوش مفهوم ندارد.

در جواب این سوال که چه صحنه‌ها و محیط‌هایی را بیشتر برای انجام یک جنایت در داستان خودد نظر میکنید، خاتم آگاتا کریستی گفت:

- این سستی بنوع داستان دارد. بنظر من، هواپیمای، هتل، کشتی، اتوبوس، بیمارستان، راهروی زیر زمینی، اتاق مهمانخانه، خیابان، کتابخانه، گوشه آشپزخانه، جاهای مناسب برای انجام قتل است.

پرسیدم: بیشتر از چه وسیله‌های برای کشتن استفاده میکنید؟

نگاهش را بجهانم دوخت و بعد گفت:

سم... سم های مرگ آور رنگارنگ!

بدون درنگ دلیلش را بررسیدم و او گفت:

- دو علت دارد: یکی اینکه چون در زمان جنگ در بیمارستان کار میکردم و پرستار بودم، بخوبی با انواع سم‌ها و تأثیر هرسم روی افراد آماه هستم و باین جهت، بخوبی میدانم که هرسمی رایجه میزان باید مورد استفاده قرار داتو بعد از مصرف بقیه در صفحه ۷۷

اطلاعات بانوان

نزهت را خلق کند. نوشتن داستانهای زندگی افرادی که مرتکب جرم و جنایت شده‌اند از وقایعی که در اطرافمان روی میدهد، در جای خود هنر یا ارزشی است، اما کار نازهای نیست.

من بجزات میگویم که هرگز یکی از شخصیت‌های داستانم نیز وجود خارجی نداشته و هیچوقت صحنه‌ای که در کتابهایم مجسم کرده‌ام مطابق صحنه‌ای که فعلاً دیده و یا درجالی خوانده‌باشم، نبوده است.

من از نیروی تخیل و قدرت آفرینش خود برای نوشتن داستانهایم الهام میگیرم و شخصیت‌ها و صحنه‌هایی که ترس و وحشت بدلبا میکنند، همه از ایده خیالی من است.

پرسیدم: آیا از آغاز میدانید داستانتان چه پایانی خواهد داشت و یا در خلال نوشتن یک داستان صحنه‌های آن را و یا پایان آنرا تفسیر میدید؟

عینک لذه‌بینی‌اش را کمی جابجا کرد و گفت:

داستانهای من روی بلند طرح

عمق و تکرار، سرسری می‌گذراند و چه‌بسا افرادی که باک مطلب نادی را چنان باورنکافی و تعقیب می‌خوانند که تکات سازه‌تری دستگیرشان شود. اما، خوب است که خوانندگان داستان های پلیسی نه فقط داستانهای پلیسی من- بیشتر افراد تحصیل کرده، با مطالعه سامه از پیر و جوان- هستند و شک نیست که این نوع داستانها، بیش از سایر داستانها خواننده را بشکر و امیدارد.

در جواب این سوال که آیا داستانهای پلیسی را میتوان رشته‌ای از ادبیات بشمار آورد، آگاتا کریستی اظهار داشت:

- بنظر من، یکی از رشته‌های قدیمی ادبیات، داستانهای پلیسی است.

از نویسنده داستانهای پلیسی پرسیدم:

در پرداختن به داستانهای پلیسی خود تا چه اندازه از نیروی تخیل و تاجه‌اندازه از صحنه‌های واقعی زندگی الهام میگیرید؟

گفت:

- بنظر من، هنر نویسندگی در این است که نویسنده ادبیات تازماری را برورش دهد و شخصیت‌های

آرامش فراوانی بیستند می‌بخشد.

● شیوه نویسندگی

بعد از آشنای بیشتر با این بانوی نویسنده، پرسیدم: چگونه شد که در میان شیوه‌های مختلف نویسندگی، بنویستن داستانهای پلیسی پرداختید؟

لیخدی زد و گفت:

عجیب است که همه مرا فقط بعنوان یک نویسنده داستانهای پلیسی می‌شناسند، درحالیکه من متجاوز از ۴۰ نمایشنامه و چندین کتاب عشقی یا تاریخی (و بهر حال غیرپلیسی) نوشته‌ام. من هرگز فقط با کشوه و برای نویسندگی انتخاب نکرده‌ام... و این هم با تشریح از کارهای من است. اما علاقه مردم به داستانهای پلیسی باعث شده است که مرا فقط بعنوان یک نویسنده داستانهای پلیسی می‌شناسند.

پرسیدم: آیا بنظر شما داستانهای پلیسی، گذشته از جنبه سرگرمی، تأثیر دیگری هم دارند؟

جواب داد:

- این سستی بطرز فکر خوانندگان کتاب دارد. چه‌بسا افرادی که از یک کتاب قابل

